رسانه‌ها باید روایت‌هایی از امید و تاب‌آوری را بازتاب دهند تا پیوند احساسی جامعه حفظ شود

ضرورت همدلی در عصر تورم خبر

گروه اجتماعی

اگر بخواهیم سخن بعضی از صاحب‌نظران را بپذیریم، باید بگوییم به علت چرخه فوق‌العاده ناخوشایند اخبارِ روزانه که ذخایر همدلی را تهی می‌کند، اکنون در میانه بحران همدردی قرار داریم. هرچه دردورنج بیشتری می‌بینیم، ذهنمان را بیشتر به روی درد و رنج دیگران می‌بندیم و بی‌اعتناتر می‌شویم. نتیجه شاید حتی این باشد که وقتی نزدیکانمان برای حمایت به سراغ ما می‌آیند، به سختی می‌توانیم با آن‌ها همدردی کنیم و از هرنوع ابراز احساساتی بازمی‌مانیم.

گروهی از روان‌درمانگران پیشتر اعلام کرده بودند که «جهان در خطر فرسودگی همدردی قرار دارد». هر چند بی‌اعتناییِ گاه‌به‌گاه به مشکلات شاید شیوه عاقلانه‌ای برای مراقبت از خود به نظر برسد اما اگر دربلندمدت هرگونه احساس همدردی با دیگران را ازدست بدهیم فاجعه‌آمیز خواهد بود. آیا این یکی از پیامدهای اجتناب‌ناپذیر توجه به واقعیت‌های جهانِ اطرافمان است؟ آیا راه‌هایی برای جلوگیری از این وضعیت وجود دارد؟

پیش از یافتن پاسخی برای این پرسش باید اذعان کرد که این روزها فرسودگی همدردی پدیده‌ای مستند است. نخستین باروان درمانگران و کارکنان بخش درمان و پزشکی بودند که متوجه شدند قرار گرفتن مکرر در معرض آسیب‌های روانیِ بیماران حس دلسوزی و همدردی‌شان را کاهش می‌دهد. بی‌تردید فشار شدید مراقبت از دیگران شما را بیشتر در معرض خطر خستگیِ مفرط قرار می‌دهد. فرسودگیِ همدردی می‌تواند یکی از نشانه‌های فرسایش روانی باشد.

سهیلا دیناروند، روان‌درمانگر با اشاره به این موضوع به «ما» می‌گوید: «این روزها از درود بر دیوار خبر بد می‌بارد. کافی است تلویزیون را روشن کنیم یا به شبکه‌های اجتماعی سری بزنیم تا کوهی از خبر بد بر روی سرمان آوار شود. اما به راستی آدمی‌زاد چقدر تحمل دارد؟ چقدر می‌تواند ببیند و بشنود و همدل باشد و از پا نیفتد؟ و اصلاً آیا همدلی مزیتی هم دارد یا خیر؟» کاهش همدلی به دلیل عادی شدن اخبار ناخوشایند است

دیناروند با طرح این مباحث عنوان می‌کند: «وقتی توجه عاطفی مان زیر بار فشارهای مختلف تحلیل می‌رود، گسترده‌تر کردن مرزهای همدلی خیلی سخت است. همه ما بارها نوعی خستگی روانی خزنده را تجربه کرده‌ایم. ممکن است وقتی دوستانمان پشت سر هم درباره اخبار روز برایمان پیام می‌فرستند، بگوییم «در دوره بی‌حسی» به سرمی بریم. عواطفمان انگار مسدود شده‌اند، البته از جهتی مایه آرامش است، دیگر اخبار از پا درمان نمی‌آورند. متوجه وحشتناکی‌شان می‌شویم و به راحتی عبور می‌کنیم. ولی این بی‌حسی، تأثیرات دیگر ونامنتظره‌ای هم دارد. درحالت ملایمش، دلچسب بودن سخت‌تر شده، مکالماتمان ملال‌آورترند. علاوه بر این، حتی با خانواده امان نیز، همدلی کمتری داریم. ممکن است خیلی از ما تا همین مدتی قبل با خواندن و دنبال کردن اخبار عصبانی می‌شدیم، اما حالا عصبانی ماندن برایمان سخت شده. اخبار، چه اخبار داخلی و چه اخبار گوشه و کنار جهان، هنوز هم وحشتناک‌اند. ذهن ما این را می‌داند، ولی احساس جسمانی وحشت از بین رفته. پیگیری اخبار جنگ، بحران پناهجویان یا آب شدن یخ‌های قطبی حالا شبیه تمرین پذیرش شده است؛ این‌ها وضعیت‌هایی‌اند که دارند بدتر می‌شوند! این احساس به معنای خستگی از همدلی است که اصطلاح رایج این روزهاست.»

این روان‌درمانگر معتقد است، بخشی از فرسودگی همدلی ناشی از عادی شدن اخبار ناخوشایند است. ما دچار وضعیتی شده‌ایم که شاید در ابتدا به نظر بی‌اهمیت بیاید، اما در دل خود یک چالش عظیم روانی را جای داده است؛ آن هم «عادی شدن فاجعه است». این پدیده که بیش و کم در اغلب جوامع رخنه کرده، نتیجه‌اش چیزی جز سردی و بی‌تفاوتی نیست. چرا که موج اتفاقات و خبرهای ناخوشایند یکی پس از دیگری می‌آیند و دیگر جایی برای ابراز همدردی و همدلی نمی‌ماند.

کمبود همدلی مسئله‌ای جدی‌تر از کسری بودجه است

دیناروند در ادامه توضیح می‌دهد: «عادی شدن فاجعه نه تنها به معنای کاهش تاثیرات آن بر روحیه و احساسات است، بلکه بدتر از آن، این روند به بخشی از فرهنگ و هنجارهای اجتماعی بدل شده. و این، یعنی افراد با خود می‌گویند «این هم یکی دیگر از فجایع است»، و همینطور به زندگی ادامه می‌دهند. وقتی رخدادهای تلخ تکرار شوند، مردم از احساس غم و همدلی دست می‌کشند و حوادث رایکی پس از دیگری به دست فراموشی می‌سپارند. واقعیت این است که فجایع به سرعت جای خود را در حافظه جمعی ما بازمی‌کنند و پس از مدتی، به بخشی از «روال طبیعی» زندگی بدل می‌شوند. وقتی یک فاجعه به قسمت عادی زندگی تبدیل می‌شود، تغییر در آن کار بسیار دشواری است. شاید به همین دلیل است که در دنیای واقعی، جایی برای سوگواری واقعی و تحول عمیق باقی نمی‌ماند. درعوض، آنچه باقی می‌ماند، هشتگ‌ها و کامنت‌هایی است که با هیچ بار مسئولیتی همراه نیستند. ما تنها از «دور» در رخدادهای تلخ مشارکت می‌کنیم، در حالی که مسئولیت اجتماعی ما در قبال این رخدادها، فراتر از فضای مجازی است و باید به همدردی و همدلی روی بیاوریم. اغلب کشورهای جهان امروز از کمبود همدلی رنج می‌برند، حال اینکه کمبود همدلی مسئله‌ای جدی‌تر از کسری بودجه است. به اعتقاد خیلی‌ها همدلی عنصری حیاتی و لازم است، نه فقط برای تعاملات مستقیم انسانی، بلکه برای حل بسیاری از مسائل جدی نیاز به همدلی داریم.»

اضافه‌بار رسانه‌ای، حساسیت‌مان به رنج را کم می‌کند

دیناروند تصریح می‌کند: «مواجهه بیش از حد با تصاویر وحشتناک، به‌خصوص در گزارش‌های خبری، می‌تواند باعث سردیِ عواطف بیننده شود و کاری کند که فرد، به جای پاسخ و واکنش به شواهد، آن‌ها را پس بزند. این موضوع نشان می‌دهد که رسانه‌ها مستمر و پیوسته اخبار بیماری، قحطی، جنگ و مرگ را پوشش داده و فاجعه را در ذهن مخاطب عادی‌سازی می‌کنند. به نظر می‌رسد رسانه‌های دیداری‌وشنیداری، درسرفنرس بریده‌ای میان فقر، بیماری و مرگ، از ترومایی به تروماي دیگری می‌پرند. مشکلات درهم محومی شوند و بحران‌های متعدد انگار یک بحران می‌شوند. این حجم از اخبار بد باعث می‌شود مردم دچار نوعی کرختیِ حاصل از شفقت و همدلی شوند. طبیعتا زیر سیل تصاویری که زمانی بهت‌آور و برآشوبنده بودند، رفته رفته ظرفیت‌مان برای واکنش را زدست می‌دهیم. شفقت، وقتی تابیشترین میزان ممکن از آن کار بکشیم، به بی‌حسی تبدیل می‌شود. در واقع اضافه‌بار رسانه‌ای حساسیت‌مان به رنج را کم می‌کند.»

زهره صداقتی نیز در قامت دانش‌آموخته جامعه‌شناسی در تحلیل این مسئله به «ما» می‌گوید: «همدلی یکی از مهم‌ترین توانایی‌های انسانی است؛ اینکه درد دیگری را درک کنیم و برای کمک به او اقدام کنیم، پایه اساسی روابط سالم و انسانی را تشکیل می‌دهد. اما زمانی که فرد به طور مداوم در معرض مشکلات، دردها و رنج‌های دیگران قرار می‌گیرد، ممکن است ظرفیت روانی‌اش برای همدلی به تدریج تحلیل برود. در دنیای امروز، که اخبار ناراحت‌کننده، بحران‌های اجتماعی و نیازهای عاطفی در شبکه‌های اجتماعی به طور مداوم به ما هجوم می‌آورند، میزان خستگی از همدلی در حال افزایش است. بسیاری از افراد بدون آنکه بدانند، در حال فرسایش روانی تدریجی هستند. خستگی از همدلی نوعی فرسودگی احساسی است که وقتی ایجاد می‌شود که فرد برای مدت طولانی با درد و رنج دیگران همراه شود. برخلاف مهربانی و همدلی سازنده، در این حالت مرزهای عاطفی فرد ناپدید می‌شود و فرد احساس می‌کند بار مشکلات دیگران را «بر دوش» می‌کشد.»

لزوم ایجاد تعادل میان دلسوزی برای دیگران و مراقبت از خود

او در ادامه توضیح می‌دهد: «یکی از مباحث جامعه شناسی ارتباطات در حوزه کنش‌های جمعی، تکرار یک واقعه اجتماعی به صورت متوالی است که بعد از مدتی برای جمع پذیرفته می‌شود. به عبارتی تکرار یک رخداد اجتماعی، بعد از مدتی برای افراد عادی شده و نوع نگاه و واکنش به آن نیز تغییر می‌کند. تکرار صحنه‌هایی از افراد نیازمند یا کودکان کار به صورت روزمره و بر سر چهار راه‌ها، یکی از مواردی است که براثر تکرار روزانه می‌تواند از میزان ترحم و همدلی در راستای کمک به هم نوع کاسته، زمینه‌های بی‌مهری و بی‌تفاوتی اجتماعی را در جامعه فراهم سازد. طبیعتا خستگی همدلی به ما یادآوری می‌کند که انسان بودن یعنی تلاش برای ایجاد تعادل؛ تعادلی میان دلسوزی برای دیگران و مراقبت از خود. این پدیده درس مهمی است که نشان می‌دهد کمک به دیگران، بدون مراقبت از خود، نه تنها پایدار نیست بلکه می‌تواند ما را از مسیر انسانی بودن دور کند.»

این دانش‌آموخته جامعه‌شناسی بیان می‌کند: «معمولا با گذشت زمان، اخبار مربوط به جنگ‌ها، تجاوزهای نظامی و فجایع انسانی در ذهن‌مان عادی می‌شوند. آن‌چه در ابتدا تکان دهنده و غیرقابل باور به نظر می‌رسد، پس از مدتی تاثیر خود را از دست می‌دهد. این پدیده، که با عنوان‌هایی چون "خستگی همدلی" یا "بی‌حسی نسبت به رنج دیگران" شناخته می‌شود، ریشه در واکنش طبیعی مغز، عملکرد رسانه‌ها و شرایط اجتماعی دارد. در آغاز هر بحران، تصاویر و روایت‌ها احساسات شدیدی در ما برمی‌انگیزند، اما ذهن، برای حفظ تعادل روانی، به تدریج واکنش‌های عاطفی را کاهش می‌دهد. تکرار رنج، ما را از شوک و احساسات اولیه دور می‌کند و گاه یک روانی جایگزین می‌شود. این واکنش نه تنها در ناظران دور دست، بلکه حتی در دل فجایع نیز رخ می‌دهد. کسانی که مستقیما با جنگ و ویرانی روبه‌رو هستند، ممکن است برای دوام آوردن، احساسات خود را موقتا سرکوب کنند. مغز انسان برای مواجهه‌های کوتاه‌مدت با خطر طراحی شده، نه تحمل رنج مداوم. از این‌رو، کاهش واکنش‌های عاطفی در این شرایط، سازوکاری دفاعی است، سکوتی درونی که به جای بی‌تفاوتی، نشانه‌ای از خستگی روانی و تلاش برای بقاست اما همدلی، حتی وقتی کمتر احساس می‌شود، لزوما خاموش نشده است. در چنین وضعیت‌هایی، همدلی ممکن است نه در احساسات آشکار، بلکه در کنش‌های روزمره متجلی شود: مراقبت از دیگران، تقسیم منابع، یا روحیه مقاومی که هرروز تکرار می‌شود. آن‌چه فروکش می‌کند، هیجان آنی است، نه تعهد انسانی.»

همدلی بی‌مرز می‌تواند به فرسودگی و بی‌حسی عاطفی منجر شود

صداقتی تصریح می‌کند: «رسانه‌ها نیز نقش مهمی در شکل‌گیری این چرخه دارند. بسیاری از رسانه‌ها، با تمرکز بر روایت‌های تازه و پرکلیک، بحران‌های انسانی را به سرعت کنار می‌گذارند؛ به‌ویژه اگر آن بحران از نقطه‌ای دور از منافع سیاسی و اقتصادی‌شان باشد. هرچند بی‌حسی روانی و اکنشی طبیعی و ناخواسته است، همزمان می‌توان با آگاهی، مراقبت روانی و کنش جمعی، از عمیق شدن یا تداوم آن جلوگیری کرد. چه در سطح فردی و چه در سطح جمعی. در سطح فردی، می‌توان گاهی از اخبار فاصله گرفت، نه برای فرار، بلکه برای حفظ سلامت روان. سکوت موقتی بهتر از بی‌تفاوتی ماندگار است. بهتر است اخبار را هدفمند و از منابع معتبر پیگیری کرد، نه بی‌وقفه و فرساینده. از طرفی باید به روایت‌های انسانی توجه نشان داد. شنیدن صدای بازماندگان، همدلی را زنده نگه می‌دارد. همچنین در سطح اجتماعی و رسانه‌ای، فراهم کردن فضاهایی برای گفت‌وگوی جمعی درباره بحران‌ها، چه حضوری چه در فضای مجازی، ذهن جمعی را فعال و افراد را از احساس انزوا دور نگه می‌دارد. از سوی دیگر باید توجه کرد که تمرکز صرف بر رنج کافی نیست. رسانه‌ها باید روایت‌هایی از امید، تاب‌آوری و بازسازی را نیز بازتاب دهند تا پیوند احساسی جامعه حفظ شود. در آخر، باید به یاد داشت که بی‌حسی روانی در برابر رنج دیگران، الزاما زیبی تفاوتی نمی‌آید، بلکه واکنشی است به تکرار، خستگی و احساس ناتوانی. همدلی ممکن است کم صدا شود، اما خاموش نمی‌شود. اگر بدانیم ذهن‌مان چگونه با رنج واکنش نشان می‌دهد، می‌توانیم آگاهانه با آن مقابله کنیم. با بازسازی حس ارتباط و اثرگذاری، هم در خود و هم در جامعه، می‌توانیم همچنان آگاه، همدل و فعال باقی بمانیم.»

جامعه‌شناسان و روان‌درمانگران یک صدا بر این مهم تاکید می‌کنند که خستگی از همدلی پدیده‌ای واقعی و جدی است که در دنیای پرسرعت و پررنج امروز در حال افزایش است. همدلی ارزشمند است، اما وقتی بدون مرز باشد می‌تواند منجر به فرسودگی و بی‌حسی عاطفی شود. برای مراقبت از دیگران، ابتدا باید از خود مراقبت کنیم. همدلی سالم، همراه با مرزبندی، استراحت و خودشفقتی، ماراقادرمی‌سازد بدون آسیب روانی، همچنان انسان بمانیم. به باور روان‌درمانگران، تنظیم هیجان می‌تواند نقش حفاظتی داشته باشد. اما بازسازی همدلی تنها یک تمرین روان‌شناختی نیست؛ یک انتخاب فرهنگی است. کاهش مصرف اخبار بحران، تمرکز بر کنش‌های کوچک و ملموس، روایت‌های امیدبخش در کنار روایت‌های بحران، و تقویت جوامع محلی، همه راه‌هایی برای بازگرداندن توان شنیدن، توان دیدن و توان واکنش هستند.

یوآن پشت میز

ادامه از صفحه اول

هر ارزی که بتواند نفت را در مدار خود قرار دهد، عملا یک مزیت راهبردی پیدا می‌کند. به همین دلیل است که اگر بخشی از نفت ایران به جای دلار با یوآن تسویه شود، این فقط یک تغییر حسابداری نیست، بلکه یک تغییر در جهت جریان قدرت پولی است.

برای درک اثر پترویوآن، تصور کنید روزانه یک میلیون بشکه نفت با دلار فروخته می‌شود. هر بشکه مثلا ۸۰ دلار، یعنی روزانه ۸۰ میلیون دلار وارد چرخه تسویه می‌شود. حالا اگر همین حجم به یوآن تسویه شود، یعنی ۸۰ میلیون دلار تقاضای مستقیم از مدار دلار خارج و به مدار یوآن منتقل می‌شود. این تغییر، در مقیاس سالانه به ده‌ها میلیارد واحد ارزی می‌رسد. چنین حجمی، صرفا یک عدد نیست؛ یک جریان مستمر است که رفتار بازار را شکل می‌دهد.

مثال ساده‌تر: فرض کنید یک کارخانه بزرگ ایرانی مواد اولیه خود را از چین وارد می‌کند یا با هزینه‌های نقل و انتقال به چین بفرستد. اگر فروش نفت مستقیما با یوآن باشد، همان یوآن می‌تواند مستقیم برای خرید مواد اولیه استفاده شود. یک حلقه کامل ارزی حذف می‌شود. این حذف حلقه یعنی کاهش هزینه مبادله، کاهش کارمزد، کاهش زمان تسویه و کاهش ریسک بلوکه شدن منابع.

۲- پترویوآن دقیقا همین کار را می‌کند: کوتاه کردن مسیر. هرچه مسیر کوتاه‌تر شود، اصطکاک کمتر می‌شود. در اقتصاد، اصطکاک کمتر یعنی ثبات بیشتر.

در شرایطی که فعالان اقتصادی می‌دانند درآمدهای اصلی کشور با دلار است، هرتنش سیاسی یا هر خبر تحریمی بلافاصله روی دلار اثر می‌گذارد. چون دلار گلوگاه است. حالا اگر این گلوگاه تقسیم شود و بخشی از جریان به یوآن منتقل شود، شوک‌ها هم تقسیم می‌شوند. بازار وقتی بداند تنها یک کانال حیاتی وجود ندارد، رفتار هیجانی کمتری نشان می‌دهد. درست مثل سیستمی که به جای یک منبع آب، دو منبع مستقل دارد؛ ریسک قطع کامل کاهش می‌یابد.

۳- اثر دیگر پترویوآن در ذخایر ارزی است. وقتی ذخایر فقط به دلار باشد، ارزش آنها کاملا به سیاست پولی آمریکا وابسته است. اما اگر بخشی از ذخایر به یوآن باشد، تنوع ایجاد می‌شود. همان طور که یک خانواده همه دارایی خود را فقط به صورت نقد نگه نمی‌دارد و بخشی را طلا یا ملک می‌خرد تا ریسک کاهش ارزش را تقسیم کند. پترویوآن برای یک کشور، شبیه همان تنوع‌سازی در سبد دارایی است، اما در مقیاس ملی.

تجربه کشورهایی است که تجارت انرژی خود را متنوع کرده‌اند. وقتی روسیه بخشی از صادرات انرژی را به ارزهای غیر دلاری منتقل کرد، عملا نشان داد که می‌تواند جریان ارزی را از یک محور به چند محور تقسیم کرد. این تقسیم، قدرت چانه‌زنی ایجاد می‌کند. اگر ایران هم بخشی از نفت خود را در بورس‌های مبتنی بر یوآن عرضه کند، در عمل یک بازار موازی می‌سازد. بازار موازی یعنی امکان انتخاب. امکان انتخاب یعنی قدرت.

۴- پترویوآن حتی در سطح قراردادهای بلندمدت هم اثرگذار است. تصور کنید ایران و چین قرارداد ۱۰ ساله انرژی امضا کنند که تسویه آن تماما با یوآن باشد. در این حالت، بانک‌های دو کشور سازوکارهای ویژه تسویه ایجاد می‌کنند، خطوط اعتباری بازمی‌شود، و شرکت‌های دو طرف یاد می‌گیرند با یک ارز مشترک کار کنند. این فرآیند به تدریج یک اکوسیستم مالی می‌سازد. اکوسیستم یعنی تکرار، یعنی عادت شدن، یعنی عادی شدن. وقتی یک ارز عادی شد، ریسک آن در ذهن فعال اقتصادی کاهش می‌یابد.

۵- اثر مهم دیگر پترویوآن بر نرخ تبدیل است. اگر حجم بالایی از یوآن وارد کشور شود و مستقیما برای واردات از چین مصرف شود، نیاز به تبدیل مکرر دلار کاهش می‌یابد. هر بار تبدیل ارز، هزینه دارد. حذف این تبدیل‌های چندمرحله‌ای، مانند حذف واسطه‌های اضافی در یک زنجیره توزیع است. وقتی واسطه کم شود، قیمت نهایی تثبیت‌تر می‌شود.

۶- حتی در سطح نمادین نیز پترویوآن اثر دارد. وقتی پیام روشنی به بازار داده شود که فروش نفت دیگر صرفا دلاری نیست، ذهنیت «انحصار دلار» تضعیف می‌شود. بازارها بیش از آنکه با اعداد زندگی کنند، با انتظارات زندگی می‌کنند. اگر انتظار وابستگی مطلق شکسته شود، رفتار سفته‌بازانه هم تعدیل می‌شود. این دقیقا مانند بازاری است که یک برند بزرگ وارد آن می‌شود و انحصار قبلی را می‌شکند؛ صرف ورود رقیب، قیمت‌ها را متعادل‌تر می‌کند.

۷- از زاویه منطقه‌ای نیز پترویوآن می‌تواند نقش تقویت‌کننده داشته باشد. اگر ایران، چین و چند شریک آسیایی دیگر بخشی از تجارت انرژی را با یوآن انجام دهند، به تدریج یک بلوک ارزی شکل می‌گیرد. بلوک ارزی یعنی هماهنگی بیشتر در پرداخت‌ها، تسویه‌های سریع‌تر و کاهش وابستگی به مسیرهای سنتی. این روند، اگر گسترش یابد، می‌تواند حتی بازارهای مالی داخلی را به سمت ابزارهای مبتنی بر یوآن سوق دهد؛ مثلا انتشار اوراق یا ایجاد حساب‌های سپرده یوآنی.

۸- البته توجه داشته باشیم که پترویوآن را باید در چارچوب بازطراحی جایگاه پولی ایران در نظم در حال تغییر جهانی دید. جهان به سمت چندقطبی شدن مالی حرکت می‌کند، اما این گذار تدریجی و پرهزینه است. ایران اگر بخواهد در این مسیر نقش فعال داشته باشد، باید همزمان اصلاحات داخلی را پیش ببرد. بدون مهار کسری بودجه، بدون اصلاح نظام بانکی، بدون حذف رانت ارزی، هیچ ارزی نه دلار، نه یوآن نمی‌تواند ثبات پایدار ایجاد کند.

پترویوآن می‌تواند یک ابزار باشد، اما ابزار در دست ساختار ناکارآمد، معجزه نمی‌کند. اگر اصلاح نهادی همزمان پیش نرود، تغییر ارز تسویه بیشتر شبیه تعویض واحد شمارش خواهد بود تا حل مسئله. برآیند این مسیر چیزی جز انباشت هزینه‌های بدون بازده نیست، اگر سیاست ارزی از سطح نماد به سطح ساختار ارتقا پیدا نکند.

۹- درنهایت، پترویوآن یک ابزار صرف نیست؛ یک پیام است. پیام اینکه فروش نفت می‌تواند از مدار سنتی خارج شود. پیام اینکه جریان ارزی قابل بازطراحی است. پیام اینکه نظام تسویه جهانی تک قطبی نیست. این پیام، اگر با قراردادهای واقعی، حجم واقعی و تداوم واقعی همراه شود، می‌تواند جایگاه ارزی کشور را دگرگون کند.

وقتی جریان‌های چندده میلیاردی ازیک ارز به ارز دیگر منتقل می‌شود، ما با تغییر عدد مواجه نیستیم؛ با تغییر مسیر رود خانه مواجهیم. رود خانه‌ای که مسیرش عوض شود، جغرافیای اطرافش را هم تغییر می‌دهد. پترویوآن دقیقا چنین ظرفیتی دارد؛ ظرفیتی برای تغییر مسیر جریان ارزی، تقویت قدرت چانه‌زنی و ساختن یک مدار مالی موازی که می‌تواند به تدریج اثر خود را بر بازار داخلی و خارجی نشان دهد.

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبت و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱- برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۶۰۰۵۰۱۷۱۲۶ مورخه ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرک نهادند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی پرونده کلاسه ۰۰۵۰۰۵۰۶-۱۴۰۴۱۱۴۲۶۰۰۵۰۰۵۰۶ آقای رضا سروی به ش.ش ۲ و به ش.م ۲۹۶۲۲۰۸۶۱۵ فرزند جمشید در شدانک یک قطعه باغ به مساحت ۲۰۸۳۰/۷۰ متر مربع به پلاک ۲۸۴۳/۷۰ مترمربع قسمتی از پلاک ثبتی -فرعی از ۲- اصلی بخش ۳ نهاوند روستای قریه قشلاق بالا بیره قرار دارد انتقالی از مالک رسمی ملک (مالکیت مشاعی) محرز گردیده است که حقوق ارتفاقی ندارد.

۲- برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۶۰۰۵۰۱۷۱۲۵ مورخه ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرک نهادند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی پرونده کلاسه ۰۰۵۰۰۵۰۸-۱۴۰۴۱۱۴۲۶۰۰۵۰۰۵۰۸ آقای رضا سروی به ش.ش ۲ و به ش.م ۲۹۶۲۲۰۸۶۱۵ فرزند جمشید در شدانک یک قطعه زمین دیمزار به مساحت ۹۲۰۰/۰۰ مترمربع قسمتی از پلاک ثبتی -فرعی از ۲- اصلی بخش ۳ نهاوند روستای قریه قشلاق بالا بیره قرار دارد انتقالی از مالک رسمی ملک (مالکیت مشاعی) محرز گردیده است که حقوق ارتفاقی ندارد.

۳- برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۶۰۰۵۰۱۷۱۲۴ مورخه ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرک نهادند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی پرونده کلاسه ۰۰۵۰۰۵۰۹-۱۴۰۴۱۱۴۲۶۰۰۵۰۰۵۰۹ آقای رضا سروی به ش.ش ۲ و به ش.م ۲۹۶۲۲۰۸۶۱۵ فرزند جمشید در شدانک یک قطعه باغ به مساحت ۴۹۳۱/۴۴ مترمربع قسمتی از پلاک ثبتی -فرعی از ۲- اصلی بخش ۳ نهاوند روستای قریه قشلاق بالا بیره قرار دارد انتقالی از مالک رسمی ملک (مالکیت مشاعی) محرز گردیده است که حقوق ارتفاقی ندارد.

۴- برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۶۰۰۵۰۱۷۱۲۳ مورخه ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرک نهادند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی پرونده کلاسه ۰۰۵۰۰۵۱۰-۱۴۰۴۱۱۴۲۶۰۰۵۰۰۵۱۰ آقای رضا سروی به ش.ش ۲ و به ش.م ۲۹۶۲۲۰۸۶۱۵ فرزند جمشید در شدانک یک قطعه باغ به مساحت ۵۲۰۴/۸۹ مترمربع قسمتی از پلاک ثبتی -فرعی از ۲- اصلی بخش ۳ نهاوند روستای قریه قشلاق بالا بیره قرار دارد انتقالی از مالک رسمی ملک (مالکیت مشاعی) محرز گردیده است که حقوق ارتفاقی ندارد.

۵- برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۶۰۰۵۰۱۷۱۲۹ مورخه ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهرک نهادند تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی پرونده کلاسه ۰۰۵۰۰۵۱۱-۱۴۰۴۱۱۴۲۶۰۰۵۰۰۵۱۱ آقای رضا سروی به ش.ش ۲ و به ش.م ۲۹۶۲۲۰۸۶۱۵ فرزند جمشید در شدانک یک قطعه زمین مزروعی دیمزار به مساحت ۵۱۷۹/۸۰ مترمربع قسمتی از پلاک ثبتی -فرعی از ۲- اصلی بخش ۳ نهاوند روستای قریه قشلاق بالا بیره قرار دارد انتقالی از مالک رسمی ملک (مالکیت مشاعی) محرز گردیده است که حقوق ارتفاقی ندارد.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی دارند باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ده روز به اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نهاوند تسلیم و پس از انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۲۵
م الف ۱۹۸۹۰

حمیدرضا حجتی-رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نهاوند

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبت و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۲۴۰۰۴۰۰۳۱۴۰ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک خورموج تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی خانم حکیمه خواجه گانی فرزند علی به ش.ش ۲۰۸ صادره از بوشهر در شدانک یک قطعه زمین مزروعی با کاربری کشاورزی به مساحت ۳۹۹/۵۷ مترمربع به پلاک ۱۱۷ فرعی از ۱۶۴۸ اصلی مفروز ومجزی شده از پلاک ۱۶۴۸ اصلی واقع در منقل محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت ده روز اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نهاوند تسلیم و پس از انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۲/۹
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۲/۲۵
م الف ۱۹۸۹۰

عیسی رضایی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دشتی

آگهی ماده ۲ قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن

هیات قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ایجرود موضوع ماده ۸ آئین نامه اجرایی قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن تصرفات مالکانه و مفرزی اشخاص ذیل را برابر ای صادره تائید نموده است.

۱- آقای حسین جعفرزاده فرزند فرامرز به ش.م ۴۲۸۲۱۱۵۹۱۲ صادره از زنجان در محدوده پلاک ۸۲۴ فرعی از ۱۳۹ اصلی واقع در حلب بخش ۵ زنجان برای شدانک ساختمان مسکونی به مساحت ۱۱۷/۸۲ مترمربع برابر ای ۳۲۶۲ مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۱۳

مراتب در اجرای ماده ۲ قانون الحاق و ماده ۱۰ آئین نامه اجرائی آن به اطلاع می رساند کسانی که نسبت به اصل ملک اعتراض دارند از تاریخ چاپ ظرف مدت بیست روز اعتراض خود را به صورت مکتوب به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ایجرود تسلیم و از تاریخ تسلیم اعتراض باید ظرف مدت یکماه به مرجع ذیصلاح قضائی مراجعه و گواهی تقدیم داد خواست را به اداره ثبت اسناد و املاک ایجرود تسلیم و رسید اخذ نمایند. در غیر این صورت متصرف یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم وصول اعتراض را دریافت و به اداره ثبت تحویل نماید. در این صورت عملیات ثبتی با رعایت مقررات تعقیب خواهد شد. ضمنا صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

علی غلامی-رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ایجرود

آگهی ماده ۲ قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن

هیات قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ایجرود موضوع ماده ۸ آئین نامه اجرایی قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن تصرفات مالکانه و مفرزی اشخاص ذیل را برابر ای صادره تائید نموده است.

۱- آقای مهدی نصیری فرزند علی به ش.م ۴۲۷۰۹۳۴۱۴۱ صادره از تهران در محدوده پلاک ۸۳۴ فرعی از ۱۳۹ اصلی واقع در حلب بخش ۵ زنجان برای شدانک ساختمان مسکونی به مساحت ۵۸/۸۹ مترمربع برابر ای ۳۳۷۹ مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۲۹

مراتب در اجرای ماده ۲ قانون الحاق و ماده ۱۰ آئین نامه اجرائی آن به اطلاع می رساند کسانی که نسبت به اصل ملک اعتراض دارند از تاریخ چاپ ظرف مدت بیست روز اعتراض خود را به صورت مکتوب به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ایجرود تسلیم و از تاریخ تسلیم اعتراض باید ظرف مدت یکماه به مرجع ذیصلاح قضائی مراجعه و گواهی تقدیم داد خواست را به اداره ثبت اسناد و املاک ایجرود تسلیم و رسید اخذ نمایند. در غیر این صورت متصرف یا نماینده قانونی وی می تواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم وصول اعتراض را دریافت و به اداره ثبت تحویل نماید. در این صورت عملیات ثبتی با رعایت مقررات تعقیب خواهد ش